

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۱ جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۹۹، ۳ آوریل ۲۰۲۰



دکتر قاسملو:

"قاضی محمد"

گلی بود که در صحرا رویید.

www.kurdistanmedia.com



جهش تولید در
حاکمیت دروغ



به زودی تغییرات بزرگی
در ...



توتالیتراسم اسلامی و ...



اطلاعیه کمیسیون اجتماعی
حزب دمکرات به ...

سلفن

جامعه افراد

کریم پرویزی

بحثی مهم و مجادله کهنی میان دو جریان فکری وجود دارد و عبارت است از اینکه میان «فرد» و «جامعه» کدام یک در اولویت بوده و خواست و منفعت کدام یک بر دیگری ارجحیت دارد. این مناقشه فکری، دو سوی رادیکال داشته است که یکی فرد را اساس قرار داده و مدعی است که همواره جامعه و قوانین باید قربانی مصلحت و آزادی‌های فردی گردد و درمقابل، اندیشه دیگر بر آن بوده که جامعه زیربنای تفکر و پی ریز فکر و قانون است و فرد هیچ جایگاهی ندارد و فرد باید در همه زمان و تحت هر شرایطی قربانی جامعه شود. در میان این دو قطب رادیکال، تفکر و برداشتهای میانه نیز وجود داشته که سعی در ایجاد توازن می‌کردند. اما در طول حداقل تاریخ معاصر، این بحث و جدل به سرانجام نرسیده و هر جریان فکری نمونه اثبات‌کننده برای خود یافته است و حکومتها نیز براساس منفعت و سیاست روز، یکی از این دو روش را مورد اجرا قرار داده‌اند. اما اکنون بیماری و در واقع یک اپیدمی جهان را دربر گرفته است که همه گوشه و کنار دنیا را دربر گرفته است

و هیچ کشوری به دور از این بیماری نبوده و نخواهد بود. از این مهمتر این بیماری فقیر، ثروتمند، حاکم و غیرحاکم را نمی‌شناسد و همه در معرض مبتلا به آن هستند. ویروس کرونا، بسیاری از روابط اجتماعی را ملغی کرده است و بسیاری از رفتارها را پایان بخشیده است و بعد از پایان این اپیدمی، مطمئناً جهان بعد از کرونا دیگر به مانند سابق نخواهد بود. اما در بحث انتخاب میان فرد و جامعه، ویروس کرونا سخنانی برای خود دارد که باید به آن گوش سپرد و در آن تعمق کرد؛ آن هم برای آینده. بیماری کرونا از ویروسی یک میکروبی آغاز می‌شود که قابل مشاهده نیست و در بدن رشد نموده، شاید تا دو هفته هیچ علائمی نداشته باشد! اما بسیار سهل می‌تواند طی این مدت در یک کالبد گسترده شده و به بدن دیگری منتقل شود! نه تنها یک انسان دیگر، بلکه به شیوه تخمینی می‌توان گفت هر مبتلا می‌تواند سه نفر دیگر را مبتلا کند، آن هم طی چند ثانیه!

ادامه در صفحه ۳

۱۰ فروردین نماد بهای زندگی



محافظت از زندگی و کرامت انسان."

همچنین مبارزان دمکرات و پیروان راه پیشوای جاویدان در کوردستان ایران، با دیدار از مزار شهدا و خانواده سرافراز شهدا، ضمن تجدید خاطرات و یاد شهیدان، با راه شهیدان کوردستان تجدید میثاق کرده و اعلام داشتند که همانند پیشوا قاضی محمد بر راه آنان تا رسیدن به آزادی مصمم‌تر خواهند بود.

دهم فروردین ضمن آنکه روز تجدید میثاق با راه شهداست، روز اثبات حقیقت وجود است؛ اثبات وجودی معنادار که به ملت‌مان هویت بخشیده است. هویتی که ما را از دیگران جدا کرده است که یکی از نکته‌های تفاوت ما با دیگران تلاش برای بنیان نهادن میهنی بر اساس اخلاق محوری و احترام به حقوق انسانی است.

گرامی یاد یاد دهم فروردین، روز شهیدان کوردستان

روز تجدید میثاق و نشان‌دهنده اتحاد برای به ثمر رساندن اهداف مبارزات ملی-دموکراتیک ملت کوردستان است.

در این واقعیت و در سالیاد هفتاد و سومین سالروز اعدام پیشوا قاضی محمد و یارانش، هیئتی از رهبری حزب دمکرات و به سرپرستی "حسن شرفی"، جانشین نخست مسئول اجرایی حزب دمکرات، به نمایندگی اعضای رهبری، خانواده معزز شهدا، کادر و پیشمرگه و اعضای حزب دمکرات، به مزار شهدای کوردستان رفته و تاج گل تقدیر و وفاداری را بر مزار شهید کاک سید "سلام عزیزی" گذاشتند.

"شرفی" ضمن گرامی داشتن یاد و خاطرات شهیدان کوردستان اعلام کرد: "امروز ما با هدف حفظ سلامتی همسنگران پیشمرگه و همه مبارزان دمکرات، دلیل شیوع ویروس کرونا و به نمایندگی از همگی آنان، از مزار شهدا دیدار کرده‌ایم؛ بدان دلیل که فلسفه کار و مبارزات همه شهیدان کوردستان و فراتر از همه قاضی، قاسملو و شرفکندی عبارت بودند از

خود آموختند؛ لذا حزب دمکرات کوردستان ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی، روز دهم فروردین را بعنوان روز شهیدان کوردستان نامگذاری نمود و هر سال مردم مبارز کوردستان در این روز به نشانه تقدیر از مبارزان و فداکاری این شهیدان و همه شهیدان کوردستان این روز را گرامی داشته و بدون شک و ترس در این سالروز تاریخی با صورت دادن فعالیت مختلف تبلیغاتی و دیدار مزار شهدای کوردستان و دیدار با خانواده سرافراز شهیدان وظیفه‌شناسی خود و پر رهرو بودن راهشان را اثبات می‌نمایند.

امسال نیز متفاوت از سال‌های قبل و بدلیل بیماری کرونا، مبارزان راه پیشوا و میهن‌پرستان کوردستان بعنوان وظیفه‌ای ملی در سنگری دیگر و با تلاش و همت خود وطنشان که هزاران شهید در راه آن داده شده است را در برابر کرونا محافظت می‌نمایند.

روز دهم فروردین در تاریخ مبارزاتی ملت کوردستان، اگر از طرفی بعنوان روز تلخ و ناخوشایند شناخته می‌شود، از سوی دیگر

اگرچه رژیم پهلوی، پیشوا و یارانش را اعدام نمود تا به خیال خام خود مسئله ملی کورد در کوردستان را از ریشه بخشکاند و حقوق انسانی ملتی دیگر مورد بحث قرار نگیرد، اما تصور نمی‌کرد که مرگ پیشوا نیرو و تجدید حیاتی دوباره برای ملت کورد خواهد بود.

از آن زمان بیش از هفت دهه گذشته است؛ ملت کورد نه تنها از مبارزات در گرو حقوق انسانی خود پا پس نکشیده است بلکه برای رسیدن به آن مصمم‌تر و ازخود گذشته‌تر شده و هزاران شهید تقدیم کوردستان کرده است که در گروی این اهداف و حقوق انسانی جان خود را برای آزادی بخت کرده و در آینده نیز این جان‌فشانی‌ها تا رسیدن به اهداف و آمال ملت کورد ادامه خواهد داشت.

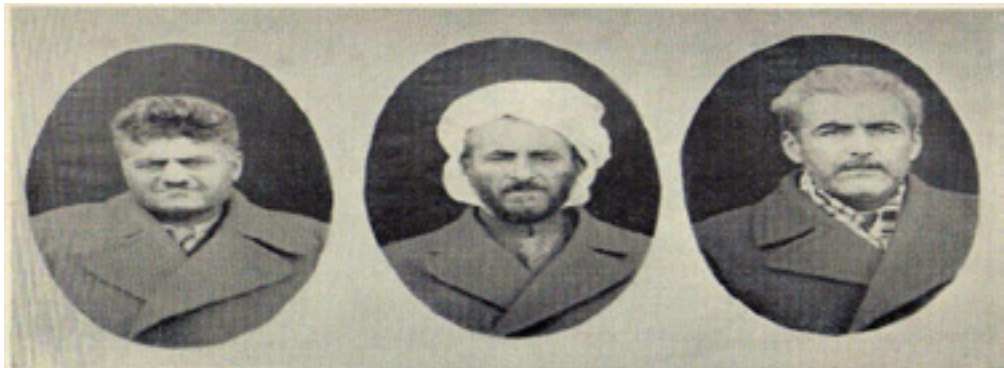
پیشوا و یارانش در دهم فروردین ماه نشان دادند که پرنسیپهای اخلاقی و ملی و دفاع از آن برای آنان و بالاتر از آن نیز اعتقاد به آزادی فراتر از هر چیزی است و با خون خود این درس مهم و تاریخی را به نسل‌های بعد از

هر ملتی دارای مجموعه‌ای نماد و روز مخصوص به خود است که در زمان و مکان خود بعنوان سمبل هویتی آن ملت شناخته می‌شوند. ایام سال برای ملت کورد پر از روزهای تلخ و شیرین، پر از روزهای شجاعت و دفاع و مبارزات مشروع، هیچ روزی از سال نیست که شجاعت و دفاع مشروع فرزندان کوردستان در آن نوشته نشده باشد.

یکی از این روزهای تلخ، که اگرچه اکنون نیز تلخی آن در فکر و ذهن هر کورد میهن‌پرستی باقی مانده است اما به نماد و سمبلی برای مقاومت و دفاع از پرنسیپهای اخلاقی و میهنی و ملیمان مبدل گشته است، ۱۰ فروردین است!

در دهم فروردین که پیشوا "قاضی محمد" در دادگاه‌های فرمایشی رژیم شاه با اراده‌ی فراوان و شجاعانه از خود و جمهوری کوردستان و همچنین از حقوق ملت کورد دفاع کرد، در میدان "چوارچرا"ی مه‌باد، همان محلی که تأسیس جمهوری کوردستان در آن اعلام شده بود، اعدام شد.

اتحادیه صنفی معلمان کوردستان ایران به مناسبت دهم فروردین پیامی منتشر نمود



درد بر خانواده سرفراز شهیدان
درد بر زندانیان سیاسی
درد بر کادر و پیشمرگه‌های
قهرمان
درد بر تمام اعضا و پیشمرگان
شهر

**اتحادیه صنفی معلمان کوردستان
ایران**
۱۲ فروردین ۱۳۹۹ شمسی

تجدید میثاق کنیم. همانطور که
شهید دکتر قاسملو می‌فرماید:
"بهترین پاداش برای شهیدان ادامه
دادن راهشان است"؛ ما در مبارزه
برای تحقق اهداف و آرمان‌های
شهیدان تا رسیدن به اهداف
والایشان، به راه آنان وفادار بوده
و تا رسیدن به آزادی و سرفرازی
کوردستان پایدار می‌مانیم.

درد بر روان پاک شهیدان
کوردستان

اتحادیه صنفی معلمان کوردستان
ایران ضمن تجدید میثاق با راه
شهیدان کوردستان، بر عزم و ارده
خود در راه آزادی و میهن تاکید
کردند

متن پیام به شرح ذیل می‌باشد:
ما بعنوان اتحادیه صنفی معلمان
کوردستان ایران، شایسته است بار
دیگر با آرمان شهدای راه آزادی
کوردستان، بویژه رهبران شهید،
قاضی، قاسملو و شرفکندی،

مردم کوردستان با شهدای راه آزادی تجدید میثاق کردند



خود مشاهده کرده یا در این راه
همانند شهدای عالیقدر کوردستان
جان خود را تقدیم خاک و مردم
و حزب خود می‌نماییم". در روز
۱۰ فروردین‌ماه هرسال، مردم
کوردستان و بویژه اعضا و
هواداران حزب دمکرات کوردستان
ایران با انجام فعالیت گسترده
تبلیغاتی، حضور بر مزار شهدا و
دیدار خانواده شهدا با راه شهیدان
کوردستان تجدیدمیثاق می‌کنند.

کردند. همچنین جمعی از اعضا و
هواداران حزب دمکرات کوردستان
ایران به دیدار خانواده شهدا رفته
و با خانواده شهیدان تجدید میثاق
کرده و وفاداری خود به راه
پرافتخار شهیدان کوردستان را
اعلام داشتند. مردم وطن پرست
کوردستان اعلام کردند: "تا
رسیدن به اهداف والای شهدا، به
راه آنان وفادار بوده و یا آزادی و
سرافرازی کوردستان را با چشم

اعضا و هواداران حزب دمکرات
کوردستان ایران به مناسبت روز
شهیدان به مزار شهدا رفته و
با شهیدان راه آزادی کوردستان
تجدید میثاق کردند. مردم اکثر
شهرهای کوردستان از جمله:
"مریوان، سقز، پیرانشار، بانه،
بوکان، مهاباد، سردشت، ارومیه
و اشنویه"، با حضور و گذاشتن
تاج گل بر مزار شهدا، با شهیدان
راه آزادی کوردستان تجدید میثاق

دیدار مردم کوردستان از خانواده شهیدان و زندانیان سیاسی



مبارزات فرزندان‌شان همواره چراغ
راه آنان بوده و آنان را در انجام
وظایف خود در طول پروسه‌ی
مبارزات انقلابی علیه رژیم
استعمارگر مصمم‌تر خواهد نمود.
همزمان مبارزان دمکرات به مرقد
شهیدان رفته و با آنان تجدید
میثاق کردند.

منطقه بوکان، همانند رسوم هر
سال به استقبال سال جدید و نوروز
کوردستان، با خانواده شهیدان و
زندانیان سیاسی دیدار کرده و
عیدانه سال نو را تقدیم آنان کردند.
در این دیدار، مبارزان دمکرات با
خانواده شهیدان و زندانیان سیاسی
تجدید میثاق نموده که خون و

اعضا و هواداران حزب دمکرات
کوردستان ایران به مناسبت فرا
رسیدن سال جدید و برای تجدید
میثاق و اعلام وفاداری به راه
شهیدان، با خانواده شهیدان و
زندانیان سیاسی دیدار کرده و فرا
رسیدن سال نو را به آنان تبریک
گفتند. مبارزان دمکرات در

مصطفی هجری:

شهدا رهبران ما هستند



ملتمان سر تعظیم فرود می‌آوریم.

حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۹ فروردین ۱۳۹۹ شمسی

اراده را در جای شعار نشانند و
به پیش گام نهادند. لذا ادامه خط
مشی شهیدان در اقدام و عمل،
ادامه راه آنان با آگاهی و اراده
انقلابی است. در ۱۰ فروردین
روز شهیدان کوردستان، در برابر
پیشوای جاویدان "قاضی محمد"
و همه شهیدان راه آزادی وطن و

"مصطفی هجری" مسئول اجرایی
حزب دمکرات کوردستان ایران به
مناسبت فرا رسیدن ۱۰ فروردین،
سالروز شهیدان کوردستان پیامی
منتشر نمود. متن پیام بدین شرح
است:

شهیدان ما رهبران ما هستند، آنان
جامه عمل به آگاهی پوشاندند،

پیام تبریک دستگاه تبلیغات و اطلاع رسانی حزب دمکرات به مناسبت فرا رسیدن عید نوروز



تلاش می‌نمایند. همزمان دستگاه
تبلیغات حزب دمکرات از مردم
مبارز کوردستان که متحد و
یکصدا برای پیشگیری از شیوع
ویروس کرونا در حال ضدعفونی
شهرها و روستاهای کوردستان
هستند تقدیر و تشکر می‌نماید.
دستگاه تبلیغات حزب دمکرات به
مناسبت فرا رسیدن عید باستانی
نوروز، از "پارزهرانی ژیان"
"محافظان زندگی" تقدیر بعمل
آورده که با ایجاد کمپین ویژه، به
یاری مردم کوردستان شتافته‌اند.
به نام دستگاه تبلیغات و اطلاع
رسانی حزب دمکرات بار دیگر

دستگاه تبلیغات و اطلاع رسانی
حزب دمکرات کوردستان ایران به
مناسبت فرا رسیدن عید نوروز و
سال جدید، پیام تبریکی خطاب
به مردم مبارز کوردستان منتشر
نمود. در این پیام تبریک، پرسنل
دستگاه تبلیغات و اطلاع رسانی
حزب دمکرات ضمن تقدیر از
زحمات مردم کوردستان اعلام
داشتند در این ایام که کوردستان
بدلیل شیوع ویروس کرونا در
شرایط بحرانی قرار دارد؛ ملت
کورد خودجوش و داوطلبانه
برای محافظت از تندرستی و
سلامتی مردم خستگی‌ناپذیر

سال ۲۷۲۰ کوردی مبارک باد

مرکز همکاری احزاب: فلسفه نوروژ بعنوان سبمل خیزش و تجدید حیات را چراغی فرا روی زندگی و مبارزاتمان قرارمی‌دهیم

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران ضمن تبریک فرا رسیدن عید نوروز و سال جدید به ملت کورد و همه آزادیخواهان ملیت‌های ایران، همزمان با تجدید میثاق با شهیدان راه آزادی کوردستان، پیمان تازه کرده که تا رسیدن به اهداف والای شهیدان درس ایستادگی تا پیروزی را به چراغ راه مبارزاتمان مبدل سازیم.

مقن پیام بدین شرح است:

پیام مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

به مناسبت نوروز و فرا رسیدن سال نو کوردی

توده‌های مردم مبارز کوردستان

یک بار دیگر در شرایطی به استقبال نوروز، جشن ملی کورد و فصل تجدید حیات طبیعت می رویم که سرزمینمان گرچه هنوز در چنگال یک حکومت جنایتکار و متکی به وحشت و ارباب و دیکتاتوری گرفتار می باشد، با این حال برگ زرین دیگری از تاریخ مبارزه و قیام و مقاومت ملیت‌های تحت ستم ایران و کوردستان در مقابل این نظام آزادی ستیز ورق خورد. سالی که گذشت، تداوم چهار دهه سرکوب، استثمار و سهل انگاری در قبال حقوق و مطالبات انسانی ملیت‌های ایران از سوی جمهوری اسلامی بود. در این سال شاهد مجموعه تحولاتی در داخل و خارج از کشور بودیم که در همگی آنها ماهیت ضد بشری این رژیم بیش از گذشته برای مردم داخل کشور و افکار عمومی ملت‌های منطقه آشکار شد. طی یک سال گذشته سرکوب، نقض فاحش حقوق بشر و وحشیگری نیروهای سرکوبگر نه تنها نتوانست ذره‌ای از اراده‌ی انقلابی و مبارزات بی وقعه‌ی کارگران حق طلب و پیشاهنگی زنان برابری خواه کشور در روند مبارزه و پیکار بکاهد، بلکه شجاعت و بیباکی آنان و انسجام و یکپارچگی سایر اقشار و طبقات تحت ستم جامعه بیش از پیش در میدان عمل به اثبات رسید. مهمترین رخداد امسال،

مقاومت شکوهمند مردم و عبور آنان از خط قرمزهای جمهوری اسلامی بود که در جریان خیزش‌های عمومی آبانماه و دیماه به طرز ویژه‌ای انعکاس یافته و سستی و تزلزل ارکان مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی را بیش از پیش آشکار نمود. ملت کورد نیز همچون همیشه در صف مقدم این مبارزه‌ی آزادیخواهانه، حماسه‌ی تاریخی دیگری آفرید و به ویژه در شهرهای کرماشان، مریوان، جوانرود و بوکان خیزش شجاعانه‌ی مردم، به گونه‌ی کم نظیری رژیم را سراسیمه نمود. خیزش مزبور با سرکوب خونین و بیرحمانه‌ای از سوی رژیم مواجه شد و هزاران تن از دلیرترین فرزندان ملیت‌های ایران به ویژه ملت کورد از سوی نیروهای ضد خلقی کشته و زخمی شدند و هزاران تن دیگر نیز به طرز وحشیانه‌ای ربوده شده و در سیاهچال‌های رژیم تحت اهانت، بدرفتاری و شکنجه‌ی جسمی و روحی قرار گرفتند و فشار و تهدید علیه خانواده‌هایشان هنوز ادامه دارد. لیکن رژیم علیرغم آن که با سرکوب مردم می خواهد خود را مقتدر و نیرومند نشان دهد، در هر دو عرصه‌ی داخلی و خارجی درماندگی و ضعف خویش را در حل مشکلات عیان نموده است. از یکسو اقتصاد ایران که پیش از این نیز به علت دخالت‌های حکومت و نهادهای تحت فرمان رهبری و فساد و تاراج گسترده‌ی سرمایه‌های کشور توسط مقامات بلندپایه‌ی رژیم در وضعیت نابسامانی بسر می برد، پس از لغو توافق اتمی که پیامد مستقیم سیاست‌های خود رژیم بود، بیش از پیش دچار فروپاشی و کسری بودجه شده که این امر به موازات هزینه‌های سرسام آور فتنه‌انگیزی‌های بین المللی، غارتگری مسئولین، فقدان عدالت اجتماعی، گرانی، کاهش نرخ ریال، بیکاری، فقر ... سردمداران تهران را به ورطه‌ی بحران پیچیده‌ای افکنده که از توان و دانش لازم برای حل

چنین بحرانی برخوردار نیستند. از سوی دیگر در کشورهای منطقه نیز مردم بیش از گذشته، به سیاست اشغالگرانه و ماهیت ویرانگر و ضد بشری جمهوری اسلامی پی برده‌اند و ایدئولوژی مذهبی رژیم بیش ازین قادر به جلب توجه و اعتماد مردم و فریب افکار عمومی ملل منطقه نیست، به همین دلیل، از لبنان تا سوریه و به‌ویژه خیابان‌های شهرهای شیعه‌نشین عراق شاهد زوال مشروعیت ایدئولوژی جمهوری اسلامی بودیم که پیش از این در پس نقاب دفاع از اماکن مقدس مذهبی و جنگ علیه تروریسم پایگاهی در میان مردم این کشورها به دست آورده بود، لیکن اینک از لحاظ نفوذ ایدئولوژیک دچار ورشکستگی کامل شده است. در همین رابطه کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده‌ی سپاه تروریستی قدس و مجری اصلی توطئه‌های رژیم در منطقه توسط آمریکا، یکی دیگر از پیامدهای مداخلات جمهوری اسلامی در منطقه بود که با استقبال ملل رنج‌دیده‌ی منطقه نیز روبرو شد. در تداوم تحولات مرتبط با این رویداد نیز یگان موشکی سپاه پاسداران یک فروند هواپیمای مسافربری اوکراینی را هدف قرار داد که بر اثر آن دهها انسان بی‌دفاع جان خود را از دست دادند و علاوه بر تحریم‌ها و فشارهای پیشین، بحران درونی و فشار بین المللی دیگری را متوجه رژیم نمود. در واکنش به این رویداد و به مناسبت چهلم قربانیان قیام خونین آبانماه، خیابان‌ها و دانشگاه‌های ایران یک بار دیگر صحنه‌ی اعتراضات و شعارها علیه تمامیت ساختار رژیم شدند و در شراره‌ی خشم توده‌ها، تصاویر و نمادهای رهبران رژیم به آتش کشیده شدند. در همین سال، نمایش انتخابات مجلس شورای اسلامی رژیم در شرایطی به اجرا درآمد که برای نخستین بار، تحریم گسترده سراسر مناطق ایران و کوردستان را در بر گرفت، به گونه‌ای که حتی رژیم نیز در

آمارهای خود نتوانست موفقیت تحریم و مطرود ماندن خود در میان مردم را انکار کند. در بهار و زمستان سال ۱۳۹۸ بارندگیهای شدید موجب بروز سیل ویرانگر در مناطق مختلف ایران و کوردستان گردید که بر اثر آن خسارات و تلفات گسترده‌ای به بار آمد و سبب تخریب گسترده‌ی محیط زیست گردید. در این میان، یک بار دیگر استیصال و درماندگی و ضعف مدیریتی رژیم آشکار گردیده و ثابت شد که نه اراده و نه توانایی مقابله با اینگونه فجایع را ندارند و مردم در برابر حوادث طبیعی -که تاثیر سوء مدیریت و سیاست زمامداران در بخشی از آنها نمایان است- نمی توانند روی کمک و پشتیبانی رژیم حساب کنند، رژیمی که نه خود قادر به محافظت از مردم است و نه خودبزرگ بینی اش اجازه می دهد که از جامعه‌ی بین المللی کمک بخواهد. آخرین فاجعه‌ای که در سال گذشته بر اثر بی توجهی رژیم به وضع معیشت و سلامتی مردم روی داد، انتقال ویروس کرونا از چین به ایران و از ایران به کشورهای منطقه بود که به دلیل سهل انگاری و جهل زمامداران تهران، اینک همچون تهدید بزرگی بر مردم ایران و سایر کشورهای منطقه سایه افکنده و تاکنون نیز رژیم هیچ گام مثبتی برای پیشگیری از شیوع این بیماری برنداشته و بدون اعتنا به توصیه‌های پزشکی، نه تنها از قرنطینه کردن شهر قم به عنوان مرکز انتشار این بیماری خودداری نموده، بلکه آن را تبدیل به کانونی برای صدور ویروس کرونا به سایر مناطق ایران و کوردستان نموده است. همین سیاست نیز باعث تشدید خشم مردم از سیاست و مدیریت جمهوری اسلامی شده است. در رابطه با مساله‌ی مدیریت این بحران، خامنه‌ای، رهبر رژیم اخیرا در تصمیم جدیدی، اختیارات و صلاحیت‌های وزارت بهداشت و کابینه‌ی روحانی را در این زمینه سلب نموده و به سپاه تروریستی

پاسداران واگذار نمود. این تحول از یکسو بار دیگر این واقعیت را به اثبات رساند که رئیس جمهور و دولت در چنین سیستمی فاقد اقتدار و صلاحیت واقعی هستند. از سوی دیگر، از روند تحولات چنین بر می آید که رژیم تحت لوای مدیریت بحران در صدد تشدید فضای امنیتی و میل‌تاریزه کردن بیش از پیش جامعه و ارتکاب جنایتی دیگر علیه بشریت بوده و بایستی آزادیخواهان و مردم ایران و جامعه‌ی بین المللی با در پیش گرفتن اقدامات لازم، این سیاست ضد بشری را افشا نموده و از وقوع یک فاجعه‌ی بزرگ جلوگیری کنند. همچنین به عنوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران لازم می دانیم ضمن تاکید دوباره بر موضع مندرج در بیانیه‌ی پیشین خود در این ارتباط، یک بار دیگر از مردم تقاضا نماییم که با رعایت توصیه‌های بهداشتی، به موفقیت تلاش‌ها جهت غلبه بر این بیماری خطرناک کمک کنند.

هم میهنان!

مجموعه‌ی حوادث و رویدادهای سال گذشته نشان می دهند که رژیم از همه لحاظ در سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی در باتلاق بحران و درماندگی فرو رفته و هر چه بیشتر دست و پا می زند، بیشتر در این باتلاق فرو می رود. بدون تردید، این نیرو و اراده‌ی انقلابی یکپارچه‌ی شماست که در سال پیش رو خواهد توانست رژیم را برای همیشه در باتلاق بحران‌های خودساخته‌اش غرق نموده و بشریت را از شر این هیولای پلید برهاند. بیایید امسال فلسفه‌ی نوروز به عنوان سبمل خیزش و تجدید حیات را چراغی فرا روی زندگی و مبارزاتمان قرار داده و با تلاش و ازخودگذشتگی بیش از پیش، متحد و یکپارچه تا سرنگونی رژیم و تحقق فردایی عاری از رنج و ستم و استثمار برای خود و نسل‌های آینده‌مان، با عزمی استوار در سنگر مبارزه بایستیم و با توسل به تمامی متدهای مبارزات آزادیخواهانه،

آثار باستانی کوردستان از سوی رژیم تخریب می‌شوند



نسبت به غارت و تخریب آثار باستانی پی‌درپی معترض بوده‌اند اما نه‌تنها هیچگونه جوابی نگرفته‌اند بلکه در بیشتر مواقع نیز با تهدید نیروهای امنیتی رژیم روبرو شده‌اند. تخریب و غارت آثار باستانی کوردستان از دوران به‌سرکار آمدن رفسنجانی به شیوای سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

یک بار برای همیشه به کابوس حکومت ظالمانه‌ی رژیم آزادی ستیز و مخرب جمهوری اسلامی پایان دهیم. ما در مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران ضمن شادباش به مناسبت فرا رسیدن نوروز و سال نو به ملت کورد و تمامی آزادیخواهان ملیت‌های ایران، یک بار دیگر با شهیدان راه آزادی، برابری و رهایی سرزمینمان پیمان می بندیم که تا تحقق آمال آنان و برقراری سیستمی دموکراتیک و تامین حقوق و آزادی‌های ملت‌مان، در سنگر مبارزه و ازخودگشتگی استوار بایستیم و درس ایستادگی تا پیروزی را سرلوحه‌ی مبارزاتمان قرار دهیم.

دروء بر شهیدان راه آزادی و برابری

دروء بر اراده‌ی راسخ زندانیان سیاسی

پیروز باد مبارزه‌ی ملیت‌های ایران در راه سرنگونی جمهوری اسلامی

پیروز باد مبارزه‌ی رهایی بخش ملت کورد

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

نوروز ۱۳۹۹ خورشیدی

۲۷۲۰ کوردی

ادامه سخن

بر این اساس چند ماه طول کشید تا شماره مبتلایان به ۱۰۰هزار نفر برسد، اما طی چند هفته به ۲۰۰هزار نفر رسیده و طی چند روز آتی بیش از یک میلیون نفر و در ادامه به ده‌ها میلیون نفر خواهد رسید. این ویروس هر چند خود درد و مرگ به همراه دارد، اما مانند خطی فسفری، مسیر شیوع خود را مشخص کرده و این خود نمایان‌گر آن است که زنجیره ارتباطات انسانی تا چه اندازه در هم تنیده است! اگر فردی قبلا چنین فکر می‌کرد که فقط خود و فردیتی وی مهم است و چه بر سر جامعه بیاید خوش آید، وی این گونه نجات خواهد یافت؛ اما اکنون ویروس کرونا نشان داد که هیچ فردی گسیخته از جامعه نیست و هر چه بر سر جامعه بیاید فرد نیز دچار آلام خواهد شد. از طرف دیگر نیز اثبات کرده است که چنان نیست که اگر فردی در مناطق دور دست رنج بکشد، ربطی به افراد جوامع دیگر نخواهد داشت و آنان خواهند توانست آسوده بزنند. کرونا به ما می‌گوید در میان جامعه و افراد اجتماع هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند، بلکه جامعه از افراد تشکیل شده است و آسودگی و رنج هر کدام آسودگی و رنج دیگری است. مسیر نمایان گشته فسفری کرونا به ما اثبات نمود که فرد منفصل وجود ندارد و جامعه خوشبخت جامعه‌ای است که افراد آن خوشبخت باشند. ویروس کرونا با همه بیماری‌های آن دوباره خاطرنشان کرد که چگونه موجود زنده‌ای هستیم و چگونه به همدیگر نیاز داریم و به هم وابسته‌ایم!

ویروس کرونا جان مصدومان شیمیایی سردشت را تهدید می‌کند



شهرستان صورت نداده‌اند، ابلاغ چنین دستوری از سوی رئیس جمهوری رژیم ایران از وخامت وضعیت مردم و بویژه مصدومان شیمیایی سردشت حکایت دارد. شهرستان سردشت دارای بیش از

بعد از گذشت چندین روز از شیوع ویروس کرونا در شهرستان سردشت، مسئولان رژیم ایران درباره وضعیت مصدومان شیمیایی این شهرستان هشدار دادند.

"حسن روحانی"، رئیس جمهور رژیم ایران به استانداری استان ارومیه دستور داده تا به وضعیت مصدومان شیمیایی شهرستان سردشت توجه گردد. مردم شهرستان سردشت چندین هفته قبل نسبت به شیوع ویروس کرونا و وضعیت مصدومان شیمیایی این شهرستان هشدار ی داده بودند، اما مسئولان رژیم ایران به این خواسته مردم هیچ توجهی نکردند. درحالی‌که مسئولان رژیم ایران تاکنون اقدام قابل توجهی برای مهار و کنترل ویروس کرونا در این

اطلاعیه کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات به مناسبت سالروز شهیدان کوردستان



کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت دهم فروردین ماه، سالروز شهیدان کوردستان، اطلاعیه‌ای خطاب به مردم کوردستان و خانواده سرافراز شهیدان منتشر نمود.

متن پیام بدین شرح است:

اطلاعیه کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۱۰ فروردین ماه سالروز شهیدان کوردستان ملت مبارز و وفادار به خون شهیدان کوردستان خانواده سرافراز شهیدان

روز دهم فروردین ماه هر سال، یادآور روزی تلخ در تاریخ جنبش آزادیخواه ملتمان در کوردستان ایران است. هفتاد و سه سال قبل، بعد از دادگاهی نمایشی سیستم دیکتاتوری پادشاهی، حکم اعدام بر "پیشوا قاضی محمد" نخستین رئیس جمهور کوردستان و دو تن از یارانش، "سیف قاضی" و "صدر قاضی"، تحمیل شد. این حکم ناعادلانه درسحرگاه ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ شمسی در میدان "چوارچرا" شهرستان "مهاباد" اجرا شد. این حکم بدین سبب صادر و اجرا شد که کورد در کوردستان ایران از سوی حزب دمکرات و به رهبری "پیشوا قاضی محمد"، نخستین جمهوری ملی-دمکراتیک را تأسیس نمود که به نقطه عطفی در تاریخ مبارزات آزادیخواهی ملت کورد مبدل گشت. سیستم دیکتاتوری نتوانست این آزمون پرافتخار را تحمل کند، اقدام به سرکوب نمود و سرانجام با همکاری مجموعه‌ای فاکتور داخلی و بین‌المللی، عمر پرافتخار جمهوری کوردستان را به پایان رسانید و پیشوای بزرگ و رئیس جمهور کوردستان و شماری از مسئولان ارشد جمهوری کوردستان

را، مقابله با این مفاهیم است، نارضایتی، "نه" گفتن و در آخر فدا کردن جان خود. اگرچه آغاز آسمیلاسیون و به بردگی گرفتن، ظلم و ستم دیکتاتورها بوده، بی‌اراده بودن و ترس از مرگ، راه تداوم دیکتاتورها برای به بردگی گرفتن مردم را هموار کرده است. لذا این مرگ نرخ آزادی بود، نکته دیگر این مرگ سرافراز این بود که برای رسیدن به سرافرازی و صلح پایدار، لازم است که تعادلی در ارزش‌ها، در قدرت و در همه ابعاد وجود داشته باشد که وسیله‌ی مسلط کردن جناحی بر جناح‌های دیگر باشد. همانگونه که تأسیس جمهوری کوردستان با این هدف بود، به همان شکل نیز به استقبال مرگ رفتن پیشوای بزرگ و یارانش، تکرار این واقعیت بود که زندگی تا زمانی معنا و ارزش دارد که کرامت و شکوه انسان محفوظ بماند. همین نیز به ارزشی مبدل گشت که تاکنون نیز مشوق و محرک مبارزات آزادیخواهی ملتمان و جان‌فدایی فرزندان قهرمان آن در طول چندین دهه بعد از این فاجعه بوده است.

همانگونه که همواره گفته‌ایم، خاطرات شهیدانمان، یادآوری ارزش والای آزادی انسان است. مبارزات سرافرازانه در گرو ارزش‌های انسانی و زندگی انسان است. این همان مفاهیم بوده که در کاروان طویل شهیدانمان، در راه مقابله با دیکتاتورهای متفاوت به ما رسیده است.

عزیزان!

بعد از گذشت بیش از هفتاد و سه سال از این واقعه تاریخی که از دیر زمان بعنوان روز شهیدان نامگذاری شده است، بویژه بعد از چهل سال از زمامداری دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران، اکنون و همیشه مهم

است که به یاد آوریم که ما در راه مبارزاتی واقعی بوده و هر شهیدی که در این راه داده‌ایم و هر خستگی و سختی که با آن مواجه شده‌ایم، عاقبت موضوعی درست و انسانی بوده است. لذا مطمئن بوده که روح شهیدانمان آسوده است اما همزمان نیز وظیفه‌ای سنگین بر دوشمان است، آن هم به سرانجام رساندن مبارزات برای رسیدن به اهداف و آرزوهای است که فرزندان قهرمان ملتمان جان خود را در گروی آن فدا کرده‌اند.

بعد از گذشت چهل سال از عمر پر از شرم و شرمساری جمهوری اسلامی ایران، اکنون دیگر زمان اقدامی جدی و همه جانبه رو به جلوست. اقدامی که بتواند تغییری وجودی در ماهیت زمامداری در ایران ایجاد نماید و تعادل تاریخی که از آن سخن به میان آوردیم را بوجود آورد. جمهوری اسلامی ایران سخت‌ترین روزهای عمر خود را می‌گذراند و با مشکلات عدیده‌ی داخلی و بین‌المللی روبرو شده است. که زحمت است با دقت به بی‌کفایتی و خودکامگی که دارد به آسانی از آن عبور کرده و همچنان به عمر خود ادامه دهد.

در واقع این رژیم بیش از هر زمان دیگری، آسیب پذیر بوده و خلل همه جانبه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در وجود خود پرورش داده که در آخر آن را به سمت وضعیتی لرزان و به سمت نابودی برده است.

جمهوری اسلامی در همه ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شکست خورده است. در سطح بین‌المللی با اعمال تحریم و در انزوا قرار دادن بیشتر و دشمنی کشورهای قابل توجهی و با در پیش گرفتن صدور انقلاب به خارج رو به نابودی است. از سوی دیگر از لحاظ اجتماعی

شیوع ویروس کرونا و بی‌کفایتی مسئولان رژیم اسلامی و اختفای واقعیت‌های مرتبط با این بیماری و در آخر ناتوانی در کنترل این فاجعه انسانی و افزایش شمار جان باختگان، نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند که برای جمهوری اسلامی ایران، مردم، جان مردم، زندگی مردم و خدمت مردم ارزشی ندارد.

لذا باید این واقعیت را بدانیم که اگر خواهان آینده‌ای روشن هستیم، ضروری است تا نیرو و توانایی خود را به کار گرفته و این رژیم منحوس را به مانند دیکتاتورهای قبلی به زیاله‌دانی تاریخ بسپاریم. در این روز تاریخی که روز تقدیر از فداکاری و جان‌فدایی شهیدایمان است، ما بعنوان ادمه دهندگان راه آنان، به مانند ایام آغاز این مبارزات سنگین و پر از خون، ضمن اعلام وفاداری و وظیفه‌شناسی در برابر شهیدایمان و بالاتر از همه پیشوای شهید و جاویدانمان، با اهداف والای آنان تجدید میثاق می‌نماییم. به ملت مبارز و آزادیخواه کوردستان اطمینان داده که تا رسیدن به اهداف والای شهدا از مبارزه دست برنخواهیم داشت.

گرامی باد یاد و نام همه شهدای کوردستان و بالاتر از همه پیشوای عالیقدر کوردستان "قاضی محمد"

درد بر روح پا شهیدان

درد به خانواده سرافراز شهدا

راه شهیدان برای رسیدن به اهداف والای آنان پر رهرو باد حزب دمکرات کوردستان ایران

کمیسیون اجتماعی

۱۰ فروردین ۱۳۹۹ شمسی

و سیاسی، روابط بین مردم و حکومت در اوج سردی قرار دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت که چنین رابطه‌ای اصلا وجود ندارد. شرکت نکردن عظیم مردم ایران و انتخابات مجلس ایران، این واقعیت را اثبات نمود که این حکومت ضمن همه استفاده همه ترفند و فریب‌کاری‌ها و فشار، اما مشروعیتش در پایین‌ترین سطح است و دیگر نمی‌تواند انتخابات نمایشی را بعنوان بهانه‌ای برای مشروعیت سیاسی خود بکار گیرد. بلکه به نشان زوال معنوی و اخلاقی رژیم در سطح جامعه مبدل گشته و اشاره آشکار این موضوع، به سمت و سوی نابودی رژیم است.

دوستان گرانقدر!

اگرچه هر حکومت و سیستمی در دنیا، برای خدمت مردم و آسان سازی زندگی مردم خوش در تلاش هستند اما در ایران گمراه شده، حکومت و سیستم سیاسی، بار سنگینی بر دوش مردم هستند، سطح مسئولیت سیاسی و اخلاقی زمامداران در برابر مردم اگر نگوییم اصلا وجود ندارد، بلکه در پایین‌ترین سطح قرار دارد و زمانی که سیستمی اساس تفسیر افراد جامعه را بر ایدیولوژی و طرز فکر خود قرار داده باشد. بدون شک مسئولیت اخلاقی و انسانی نمی‌باشد و زمانی که سیستمی با همه موجودات و انسان و زیست محیط و همه ماهیت‌های زندگی سیاسی رفتار نماید با هدف آنکه منفعت خود را تفسیر نماید. بدون شک مسئولیت اخلاقی نخواهد بود و در آخر از آنان استفاده ابزاری می‌نماید و در برابر هرگونه فاجعه و سیاهبختی که یقه مردم را خواهد گرفت مسئول نخواهد بود. افزایش نرخ بنزین و

توتالیتاریسم اسلامی و بحران‌های ذاتی‌اش

آگری اسماعیل‌نژاد

بحران اپیدمی کرونا در جغرافیای ایران، زمینه‌ی عیان شدن بیشتر ناکارآمدی نظام توتالیتر اسلامی را نمایان کرده است. جمهوری اسلامی در شرایط کنونی هنوز از قدرت تخریب امنیت کشورهای منطقه برخوردار است، اما این رژیم توانایی روبرو شدن با بدیهیات حکومت‌داری در جغرافیای ایران را ندارد.

اصولا داشتن قدرت تخریب امنیت دیگران و سرکوب جامعه را نمی‌توان به منزله‌ی داشتن قدرت تلقی کرد، چون به قول معروف هیچ کس نمی‌تواند بر روی سرنیزه بنشیند.

پس در واقع داشتن این نوع از قدرت تنها بحران‌های دیگر را عمیق‌تر کرده و امکان حل آنها را غیرممکن‌تر خواهد نمود.

در این مقاله سعی بر آن است، مسئله‌ی بحران‌های ذاتی نظام توتالیتر جمهوری اسلامی از زوایای متفاوتی بررسی و مورد تدقیق قرار گیرد.

اعمال حاکمیت در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ با دو بحران روبرو بود:

یک: تمرکزگرایی و سرکوب ملت‌های غیرفارس در ایران

دو: تلاش برای تشکیل رژیمی توتالیتر و تک‌صدا

در این بین اگر تاریخ سیاسی ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۷ را بررسی کنیم، می‌بینیم که هزینه‌ی تشکیل جمهوری اسلامی از هزینه‌ی سقوط رژیم پهلوی دوم بسیار بیشتر بوده است.

این مسئله علی‌رغم این است که رژیم پسا انقلاب از دو لحاظ از مشروعیت برخوردار بود:

اول: حمایت انقلابی؛ که در چند سال اول اکثریت گروه و جناح‌های سیاسی به تبع شرایط و تحول ایجاد شده تن به چنین حمایتی دادند.

دوم: پایه دوم مشروعیت رژیم پسا انقلاب، ریشه در مشروعیت اسلام تشیع در میان اکثریت مردم شیعه مذهب جامعه‌ی ایران داشت. این رژیم تلاش می‌کرد خود را نماینده‌ی اسلام تشیع معرفی کرده و بدین شکل نیروهایی را پیرامون خود جمع نماید که گرایشی به این شیوه تفکر داشته و نسبت به آن همنوایی و همدلی از خود بروز دهند. چنین رویکرد مذهبی-حاکمیتی در ایران از سطحی از اهمیت برخوردار است که ریشه‌های تاریخی آن را می‌توان به لحاظ اندیشگی در ادوار پیشین جستجو نموده و بدین شیوه می‌توان گفت بیان این مطلب که اساسا جغرافیای کنونی ایران در راستای حمایت و ترویج اسلام تشیع شکل گرفته است شاید چندان اغراق‌آمیز و دور از واقعیت نباشد.

علی‌رغم این دو مسئله رژیم



این نهادها بخش‌هایی برای کنترل آنها تعبیه شده است و همزمان نهادهایی موازی دیگری شکل گرفته‌اند که بخش‌های کنترل نهادهای سرکوبگر را دوباره کنترل می‌نمایند. مشخص است، نگهداری این ساختار پیچیده‌ی سرکوبگر مستلزم صرف‌هزینه‌های فراوان است. این هزینه‌ها قاعدتا جدا از هزینه‌های است که جهت سرکوب هر گونه صدا و مشی مخالفی صرف می‌شود.

دو: توتالیتاریسم اسلامی ایران حفظ و امنیت خود در ایران را به تقویت گروه‌های شیعه وابسته به خود در منطقه گره زده است، این مسئله به منزله‌ی دخالت در کشورهای اسلامی است و چون دخالت کاملا نظامی است، پس جمهوری اسلامی همیشه در یک وضعیت جنگی قرار دارد، وضعیتی که در آن درآمدها بیشتر میل به تقویت بنیه‌ی نظامی دارد. پس ایران از یک کشور دارای امنیت که مانند دیگر کشورهای در حال توسعه بایستی روند توسعه یافتگی را طی و تکمیل می‌کرد، به دلیل نگاه و گفتمان حاکمان که از عدم مشروعیت برخوردار بوده و در تلاش هستند که گفتمانی اسلامی را در جهان ترویج کنند، تا از این جهت پایه‌های حکومت خود را تقویت نمایند. چنین تصمیم و استراتژی ایدئولوژیکی آن را به یک کشور در وضعیت عدم امنیت با احتمال بالا برای وارد شدن به یک جنگ ویرانگر تبدیل کرده است.

در چنین وضعیتی جدا از مسئله شکل‌گیری ساختاری تمامیت‌خواه نظامی، اقتصاد و جامعه نیز بصورت روزانه هزینه‌ی این وضعیت را بردوش می‌کشند، یعنی در رژیم اسلامی تنها مقوله‌ی وجود توتالیتاریسم و اقتدارگرایی وجود به مثابه‌ی

معضل خودنمایی نمی‌کند، بلکه رویکرد و جهت‌گیری سیاست، اقتصاد و جامعه به سوی یک جنگ احتمالی آرایش پیدا کرده است، که این مسئله بن‌بست توسعه را شکل داده است و هزینه‌های که باید صرف زیرساخت‌های متفاوت مانند آموزش، درمان، بهداشت و... شود، در واقع صرف آمادگی برای وارد شدن به یک جنگ احتمالی می‌شود. هم اکنون اظهارات مقامات نظامی و حکومتی جمهوری اسلامی با افتخار وجود ده‌ها انبار موشکی و پهبادی را نشان می‌دهد، در حالی که زیر ساخت درمانی کشور در بحران کمبود امکانات قرار دارد.

سه: نظام توتالیتر اسلامی، رژیمی است که جامعه‌ی تحت حاکمیت خود را به دو گروه خودی و غیرخودی تقسیم کرده است، نمایان است که غیرخودی‌ها از هیچ حقی برخوردار نیستند، اما نکته‌ی مهم در دامنه‌ی حقوق خودی‌ها است، خودی‌ها بر سفره‌ی انقلاب نشست‌اند و در عمل از دامنه‌ی حقوقی بسیار گسترده برخوردارند، که این مسئله زمینه آن را فراهم می‌کند که یک رژیم رانتی شکل بگیرد، پس در واقع نظام توتالیتر اسلامی یک رژیم رانتی نیز هست، که امتیازات فراوان و متفاوتی را به نیروهای خود وامی‌گذارد. نقش خودی‌ها در ایجاد بحران غیرقابل حل برای جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از نقش غیرخودی‌ها است، چون سیستم‌های سرکوبگر برای کنترل غیرخودی‌ها طراحی شده‌اند و هنوز هم توانایی این سرکوبگری را دارند، اما غیرخودی‌ها شامل سرکوب نمی‌شود.

چهار: رژیم توتالیتر اسلامی ایران، به دلایل متفاوت از جمله موضوعاتی که در بالا به آنها اشاره شد، با پدیده‌ی فساد



ساختاری روبرو شده است، در اینجا فساد ساختاری، ساختاری است که توانایی اجرای دستورات مراجع قدرت خود را ندارد و یا از این دستورات در راستای منافع فردی سوء استفاده می‌کند.

وجود ساختار فاسد را باید در ذات حکومت توتالیتر اسلامی جستجو کرد و اصولا ربط زیادی به جامعه و یا حتی افراد گرداننده‌ی رژیم ندارد.

پنج: یکی از کلان بحران‌هایی که در ذات رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی است، توانایی روبرو شدن با مسائل مختلف و پیدا کردن راه حل برای این مسائل است، جمهوری اسلامی توانایی روبرو شدن با آمریکا در سیاست خارجی خود را ندارد و در ۴۰ سال گذشته هزینه این مسئله را اقتصاد و جامعه ایران تقبل کرده است، جمهوری اسلامی توانایی روبرو شدن با مقوله‌هایی مانند حقوق ملی ملت‌های غیرفارس در ایران را نیز ندارد و تنها با نگاه امنیتی با مسائل مربوط به آنها برخورد می‌کند، و طبیعی است که هزینه‌ی این نوع برخورد را هم جامعه‌ی غیرفارس و هم جامعه‌ی فارس می‌پردازد. عدم توانایی در روبرو شدن با مسائل کلان و حل این موضوعات به‌واسطه‌ی راهکارهای سیاسی و غیرامنیتی وضعیتی را ایجاد کرده است که روزانه هزینه‌های چند وجهی فراوانی برای این موضوعات پرداخت می‌شود. در چنین شرایطی امید به ایجاد سیستمی که ائتلاف هزینه در آن کاهش پیدا کند و دقت عمل در آن بالا رود یک امید واهی است.

شش: یکی از مشخصات هر حکومتی تبدیل چالش به فرصت در راستای اهداف و راهبرد کلانش است، ۱۱ سپتامبر مهم‌ترین نمونه‌ی آن است، دولت آمریکا هم در سطح داخلی و هم

در سطح خارجی توانست ضربه‌ای که در پی ۱۱ سپتامبر به او وارد شد، به یک فرصت تبدیل کند و آن را در خدمت اهداف و استراتژی کلانش قرار دهد.

جمهوری اسلامی از این توانایی برخوردار نیست، فساد ساختاری، خودی‌هایی که بر سفره‌ی انقلاب نشست‌اند، جامعه‌ی کثیرالمله‌ی ایران و توهمات تشکیل یک امپراطوری شیعه یا یک دیواری شیعی برای مواظبت از جمهوری اسلامی، وضعیتی را ایجاد کرده است که این رژیم تنها می‌تواند در گرداب بحران دست و پا بزند و توانایی حل بحران و یا تبدیل آن به فرصت را ندارد.

هفت: رژیم توتالیتر اسلامی ایران در سطح اجراء قانون و مصوبات علی‌رغم داشتن ده‌ها نهاد، بسیار ناتوان عمل می‌کند، تنها در شرایط کنونی به وضعیت جمع‌آوری مالیات‌ها توجه کنید، طبق اعلام وزیر اقتصاد ایران^(۱) بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد فرار مالیاتی در سال ۹۸ وجود دارد ، این مسئله در شرایط کنونی که نفت و پتروشیمی ایران تحت تحریم آمریکا قرار گرفته است، یک امر حیاتی برای ادامه‌ی حکومت‌داری است، اما باز هم توانایی اجرایی جمع‌آوری مالیات را ندارد. مجموعه‌ی این هفت بحران که در ذات رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی وجود دارد، در سطح روبنایی بحران‌های کلانی را شکل داده است، بحران‌هایی مانند ابر بحران بیکاری و تورم ۴۰ ساله، ورشکستگی صندوق بازنشستگی، بحران در نظام بانکی، ورشکستگی آب، بحران محیط زیست، بحران کلان شهرها خصوصا تهران، بحران در سیاست بین‌المللی، بحران مسئله‌ی حقوق ملی ملت‌های غیرفارس و ده‌ها بحران دیگر حاصل وجود هفت بحرانی ذاتی است که در بالا به آنها اشاره شد. در چنین شرایطی رژیم توتالیتر اسلامی اقتصاد عمومی خود را در جهت حفظ موجودیت خود قرار می‌دهد و عملا مسئله‌ی رفاه اقتصادی و رفاه مردم و حتی حفظ سلامتی جامعه به حاشیه رانده می‌شود.

در واقع موضوع چگونگی مقابله‌ی رژیم توتالیتر اسلامی ایران با اپیدمی کروناویروس قبل از اینکه یک تاکتیک برای کاهش تحریم‌های بین‌المللی باشد، حاصل بحران‌های ذاتی این رژیم است.اهمیت درک بحران‌های ذاتی رژیم در این است که اگر بحران‌ها و عدم توانایی‌های ذاتی رژیم را درک کنیم، باید اذعان کرد که شرط اساسی آغاز هر نوع تلاش برای گذار از بحران‌های متفاوت در ایران ، گذر از رژیم جمهوری اسلامی است و در غیر این صورت تنها صورت مسئله پاک شده و بحران به زیرپوست جامعه منتقل شده است.

منبع

https://bit.ly/2QNsrCu

به زودی تغییرات بزرگی در ایران روی خواهد داد اما ...

مختار نقشبندی

اوضاع ایران به خصوص وضعیت اقتصادی آنچنان وخیم است که مردم حتی بدون نیاز به شنیدن و خواندن نظر کارشناسان از وخامت اوضاع مطلع هستند و با تمام وجود رکود و تورم و افزایش بیکاری و فقر و افزایش خشونت‌های اجتماعی و جرم و جنایت را احساس می کنند، در چند دهه گذشته به دلیل تبعیض ملیتی و قومی و مذهبی و جنسیتی همواره اکثریت مردمان ایران از راه‌ها و روش های مختلف مخالفت خود را با سیاست های رژیم اعلام کرده اند اما در چند سال گذشته به علت افزایش مشکلات اقتصادی در کنار اعتراضات سیاسی شاهد افزایش اعتراضات معیشتی هم هستیم؛ بخش بزرگی از جامعه ایران به معنای کامل کلمه محتاج و نیازمند شده‌اند و حتی آن بخشی از جامعه هم که به دلایل مذهبی و یا از روی ناآگاهی موافق سیاست های منطقه ای رژیم بودند هم زبان به اعتراض گشوده اند و جناح های رژیم بطور مستقیم و غیر مستقیم یکدیگر را متهم به بی کفایتی می کنند، هر چند که جناح های رژیم سال هاست برای فریب مردم و گرم کردن تنور انتخابات نمایشی در ظاهر و به طور موقت با همدیگر ابراز مخالفت می کنند و در باطن بر سر حفظ رژیم متحد و هم نظر هستند اما حالا آنچنان آش شور شده است که حتی رهبران رژیم هم می دانند که ادامه این وضعیت غیرممکن است و تقریبا همه رهبران و کارشناسان اپوزسیون هم معتقد هستند که در چهل سال گذشته حتی در زمان جنگ با عراق هم اوضاع ایران تا این اندازه وخیم نبوده و ادامه این وضعیت برای رژیم غیر ممکن است، تقریبا همه معتقد هستند که به زودی تغیرات گسترده در ایران روی خواهد داد اما آیا این به معنای تغییر رژیم است؟ یا احتمال دارد شرایط به گونه دیگری رقم بخورد؟

چرا ادامه این وضعیت غیرممکن است؟

بزرگترین مشکل رژیم وضعیت وخیم اقتصادی است، رکود شدید اقتصادی هم در داخل و هم خارج از کشور رژیم را با بحران و مشکل بزرگی مواجه کرده است، افزایش لشکر میلیونی بیکاران در کنار تورم بسیار بالا نتیجه‌ای جز فقر بیشتر و نارضایتی بیشتر در داخل کشور به همراه ندارد و در خارج از کشور هم رژیم را برای ادامه جنگ سرد و نیابتی با مشکل مواجه کرده است، به دلیل شیوع ویروس کرونا امسال کشورها و رقبای منطقه‌ای ایران هم با مشکلات اقتصادی مواجه خواهند شد اما وضعیت آنان با

ایران آسمان و زمین متفاوت است، عربستان سعودی بزرگترین رقیب ایران با تولید ناخالص داخلی حدودا ۸۰۰ میلیارد دلاری و رشد یک و نیم درصدی (پیش‌بینی چند ماه پیش صندوق بین‌المللی پول) از نظر اقتصادی بسیار قدرتمندتر ازایران با تولید ناخالص داخلی حدودا ۴۰۰ میلیارد دلاری و رشد منفی اقتصادی است، ترکیه هم با تولید ناخالص داخلی تقریبا ۲ برابر ایران و کشور کوچک امارات متحد عربی هم با تولید ناخالص دخلي تقریبا هم اندازه ایران شرایط اقتصادی بهتری از ایران دارند و این مسئله مستقیم و غیرمستقیم بر بالانس قدرت کشورهای منطقه تاثیر دارد، وضعیت اقتصادی ایران به حدی بحرانی است که حتی قبل از شیوع کرونا کارشناسان مجلس معتقد بودند که بودجه امسال دولت با واقعیات اقتصادی همخوانی ندارد و دولت روحانی قادر به تامین بودجه نخواهد بود (به گفته برخی کارشناسان حدود ۳۰ درصد بودجه غیر واقعی است)، حال با شیوع کرونا و فلج شدن بخش بزرگی از اقتصاد ایران وضعیت معیشتی مردم با سرعت بیشتری بدتر خواهد شد و عملا دولت روحانی در چند ماه آینده از نظر اقتصادی به بن‌بست خواهد رسید. کاهش قدرت اقتصادی رژیم و افزایش نارضایتی‌های مردم مستقیم و غیرمستقیم بر قدرت ایران تاثیر منفی دارد، بخشی از هم‌پیمانان رژیم ایران به خاطر مسائل مذهبی و ایدئولوژیکی هم‌پیمان رژیم هستند اما بخشی بخاطر قدرت است و کاهش کمک های میلیارد دلاری ایران به هم‌پیمانانش احتمالا یا باعث تغییر سیاست بخشی از هم‌پیمانان رژیم ونزدیک شدنشان به عربستان و امارات خواهد شد یا اینکه میان آن گروه‌ها و احزاب شبه نظامی اختلافات افزایش خواهد یافت و این شرایط را برای ایران چه در سوریه و یمن و چه در عراق و لبنان دشوارتر خواهد کرد.

مشکلات اقتصادی بطور مستقیم

بر قدرت نظامی رژیم ایران هم تاثیر گذاشته و توان رژیم را برای جنگ مستقیم بشدت کاهش داده است، در حالی کشورهای ثروتمند خلیج سالانه با صرف ده‌ها میلیارد دلار همچنان در حال خرید و انباشت تسلیحات پیشرفته غربی هستند که رژیم ایران به دلایل اقتصادی حتی در صورت لغو تحریم تسلیحاتی هم قادر به رقابت با آنان نخواهد بود، از طرفی جنگ تمام عیار میان ایران و کشورهای عرب خلیج تنها به صدمات و تلفات نظامی محدود نخواهد شد و صدمات شدیدی به مراکز اقتصادی از جمله تاسیسات نفتی و پالایشگاه‌های دو طرف وارد خواهد کرد، کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات هم ذخیره ارزی کلانی در اختیار دارند و هم در جریان حمله به آرامکو نشان دادند که با کمک کارشناسان خارجی به سرعت قادر به بازسازی مناطق آسیب دیده هستند اما رژیم ایران نه پول و نه امکانات بازسازی مناطق آسیب دیده را ندارد و نابودی تاسیسات نفتی و پالیشگاه‌ها رژیم را با کمبود شدید بنزین و گاز ... مواجه خواهد کرد و نبود انرژی یعنی توقف همه چیز! هر چند کشورهای عربستان و امارات به دلایل زیادی از جمله عوارض پس از جنگ از رویاروی مستقیم با ایران پرهیز می کنند اما در صورت ادامه ماجراجویی های سال گذشته رژیم ایران همچون حمله به آرامکو مطمئنا از ضعف اقتصادی رژیم ایران استفاده خواهند کرد و پاسخ شدیدی به ایران خواهند داد، در چهل سال گذشته حتی در زمان جنگ با عراق هرگز ایران تا این حد نسبت به کشورهای عرب خلیج آسیب پذیر نبوده و ادامه این جنگ سرد به این شیوه برای رژیم ایران بسیار دشوار و تقریبا غیرممکن است.

چه در داخل و چه در خارج رژیم با مشکلات جدی مواجه است و ادامه این وضعیت به این شیوه غیر ممکن است، شکست رژیم در نمایش انتخاباتی اخیر ثابت

کرد که بازی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی هم به پایان رسیده و دست رژیم کاملا برای مردم رو شده است، فساد گسترده اداری و اختلاس و دزدی و ظلم و ستم حتی صدای خودی‌های رژیم را هم در آورده است، اعتراضات به سیاست خارجی رژیم که باعث بازگشت تحریم های آمریکا شد روز به روز در حال افزایش است، اکثریت مردم نه آمریکا و نه اسرائیل بلکه رژیم را مسئول مشکلات می دانند، نمایش‌هایی همچون حمله به پایگاه‌های آمریکا نه تنها به مردم گرسنه احساس غرور نداد بلکه بیشتر مردم را از سیاست های جنگ طلبانه رژیم متنفر کرد، در چند ماه آینده و با عبور تدریجی از بحران کرونا احتمال شورش گسترده مردم بسیار زیاد است و سرکوب مردم تقریبا غیر ممکن است چون این بار رژیم با مردمی مواجه است که فرزندان‌شان گرسنه هستند و هر سرکوبی موقت خواهد بود و فوری و با شدت بیشتری تا سرنگونی رژیم ادامه خواهد یافت مگر اینکه رژیم بازی جدیدی شروع کند! **چه پیش خواهد آمد؟**

بخشی از رهبران اپوزسیون و حتی بخشی از کارشناسان و تحلیلگران همچون چهل سال گذشته یک جمله را به کار می برند: رژیم به زودی سرنگون خواهد شد! اگر این جمله به عنوان تبلیغ و دلگرمی مردم به کار برده شود مفید است اما واقعیت این است که متأسفانه بخشی از اپوزسیون تحلیل درستی از شرایط سیاسی داخل ایران و ساختار سیاسی جهان ندارند، اینکه منتظر باشیم تا آمریکا رژیم را سرنگون کند و تهران را دو دستی تقدیم ما کند یک خواب و رویایی بیش نیست، در ساختار سیاسی جهان همه کشورها حتی کشورهای غربی مسائل اقتصادی و امنیتی را در اولویت قرار می دهند و حتی گاهی مسائل حقوق بشری را فدای منافع اقتصادی و امنیتی می کنند برای نمونه مذاکرات آمریکا با رژیم دیکتاتوری کره



شمالی که تنها بر سر مسائل امنیتی و موشکی و هسته ای بود نه آزادی و دموکراسی! آمریکا تمایلی به حمله مستقیم به ایران ندارد مگر رژیم ایران آغازگر جنگ باشد یا اینکه قصد تولید سلاح هسته ای را داشته باشد و در صورت بروز جنگ میان ایران و آمریکا احتمال حمله زمینی به ایران بسیار بسیار کم است، بخشی از اپوزسیون روسیه و چین را به دلیل حمایت از رژیم تهران دشمن خود می دانند که این هم اشتباه است چون آن دو کشور هم به دنبال حفظ منافع خود و رقابت با غرب هستند، بخشی از اپوزسیون در کنار تحلیل اشتباه از عملکرد کشورهای دیگر نسبت به ایران متأسفانه تحلیل اشتباهی هم از اوضاع داخلی ایران و ساختار رژیم دارند، عده ای همچنان ایران را یک جامعه یکسان می دانند و تفاوت های ملیتی و قومی را در نظر نمی گیرند و در رویا و آرزوی آن هستند که در کاخهای تهران بنشینند و برای تمام ایران فرمان صادر کنند و مردمان ایران هم همگی با رضایت کامل و یک صدا سرود ای ایران را برای آنان بخوانند! اما واقعیت چیز دیگری است، با توجه به شرایط پیش آمده احتمالا یکی از ۳ سناریو زیر اتفاق خواهد افتاد.

۱) در ماه‌های آینده به دلیل ادامه رکود اقتصادی و افزایش بیکاران و افزایش فقر شورش های گسترده در ایران اتفاق خواهد افتاد و رژیم با خشونت بی سابقه اقدام به سرکوب و قتل عام مخالفین خواهد کرد اما همانطور که بیان شد به دلیل اینکه ماهیت شورش ها بیشتر معیشتی خواهد شد و هیچ چیز مردم گرسنه را نخواهد ترساند این شورش ها ادامه پیدا خواهد کرد و پس از هر سرکوب مردم شدیدتر و خشن تر به خیابان‌ها خواهند آمد، در خارج از ایران هم رژیم همچنان به سیاست خارجیش که بر پایه صدور ایدئولوژیش از راه گروه‌های شبه نظامی و تروریستی و دخالت در دیگر کشورهاست ادامه خواهد داد و شاهد افزایش حملات

کوردستان

متقابل گروه‌های نیابتی ایران و آمریکا و افزایش حملات اسرائیل به نیروهای رژیم در سوریه خواهیم بود که به جنگ مستقیم و تمام عیار میان آمریکا و عربستان و اسرائیل با رژیم ایران خواهد انجامید، در این سناریو رژیم همچون نازی ها همه چیز را فدای ایدئولوژی‌شان خواهند کرد که نتیجه آن سرنگونی رژیم خواهد بود اما بخشی از خاک ایران مستقیم و غیرمستقیم به کنترل روسیه و چین درخواهد آمد و در اثر حمله خارجی و شورش های گسترده بیشتر زیربناهای اقتصادی ایران ویران خواهد شد.

۲) کره شمالی شدن ایران:

طبق قانون اساسی (به خصوص اصل ۱۱۰) و در عمل خامنه‌ای و سپاه تروریستی پاسداران همه کار ایران هستند و رئیس‌جمهور و مجلس به نوعی مجری سیاست های خامنه‌ای هستند، بخش مهمی از اقتصاد ایران زیر نظر و در اختیار خامنه‌ای و سپاه تروریستی پاسداران است، آمار دقیقی در دست نیست اما تخمین زده می شود که شرکت های سپاه تروریستی پاسداران و فرمان اجرایی امام و آستان قدس رضوی و دیگر مراکز مذهبی حدودا ۴۰ درصد اقتصاد ایران را در دست دارند! نه به کسی مالیات میدهند و نه به کسی پاسخگو هستند، در اینکه روحانی و اصلاح طلبانی همچون خاتمی در هر شراطی از اصل رژیم دفاع خواهند کرد شکی نیست اما این واقعیت را هم نمی توان انکار کرد که جنگ قدرت هم در میان سران رژیم وجود دارد، احتمال دارد که خامنه‌ای و سپاه یک کودتای بزرگ انجام بدهند و با قربانی کردن بخشی از حکومت و تغییر ساختار رژیم و قانون اساسی به نوعی انقلابی کنترل شده را انجام بدهند و با یک پوست اندازی جان تازه‌ای بگیرند، تمام امکانات چنین پروژه‌ای را در اختیار دارند و پس از خروج آمریکا از برجام این پروژه کلید خورده است، کارشناسان اصولگرا اعتماد به آمریکا را دلیل بازگشت تحریم ها می دانند و هیچ اشاره ای به سیاست های تروریستی رژیم نمی کنند، سریال ها (همچون سریال گاندو) و فیلم ها و کلیپ های نمایشی وابسته به سپاه به نوعی خامنه‌ای و اصولگرایان را از دزدی و اختلاس تبرئه می کنند و به بیننده القاء می کنند که انقلاب به دست عوامل آمریکا افتاده است و آنان مسبب وضعیت وخیم اقتصادی و سیاسی هستند! طبق سخنان قالیباف در جریان انتخابات ریاست جمهوری نصف اقتصاد ایران در اختیار ۴ درصد مردم است! این یعنی اگر رژیم به بهانه هایی و در جریان یک انقلاب نصف ثروت این ۴ درصد را مصادره کند و به قشر

ادامه در صفحه ۷

جهش تولید

در حاکمیت دروغ



مستولین جمهوری اسلامی و دکانداران ولی فقیه و در رأس آنها رهبر و رئیس جمهور رژیم می‌نگریم، تشابهی کامل با عقلیت منحوس پوپولیستی مابین رژیم و نازیسم در اذهان نقش می‌بندد. قانون گویلز که در سطح جهانی به دروغ گویلیز مشهوراست چندین اصل را شامل می‌شود که از مهمترین آن میتوان به نکات زیر توجه کرد.

- مردم دروغ بزرگتر را زودتر از دروغ کوچک باور می کنند.

- در صورت تکرار دروغ ،مردم دیر یا زود به دروغ عادت کرده و آنرا باور می کنند.

درحالیکه در حاکمیت ایدئولوژیک واستبدادی رژیم، فقر و نداری توان مردم را بریده و تورم افسار گسیخته نای نفس کشیدن را از آنها گرفته و بر طبق شاخصهای اقتصادی و البته با آمارهای نادرست و هدمند خود رژیم، نرخ بیکاری بیشتر از سی درصد، تورم بالای چهل درصد، نرخ رشد اقتصادی منفی ده درصد و نرخ فلاکت ۷۰٪ می‌باشد. اکثریت قریب به اتفاق مردم به جزعه‌ای قلیل ۵ درصدی از حامیان و حلقه نزدیک و مریدان ولی فقیه که از همه امکانات لاکچری و مرفه زندگی برخوردارند در زیر

خط فقر به سر می‌برند و روز و به روز شاهد کاهش ارزش واحد پول ایران در برابر ارز خارجی هستیم و ورشکستگی و تعطیلی مکرر و پیاپی واحدهای تولیدی را نظاره‌گریم، زمانی که شاهد خروج رو به فزونی سرمایه‌های داخلی به بیرون مرزها می‌باشیم و از سرمایه‌گذاری خارجی در بازارهای تولیدی داخلی خبری نیست، امپراطور دروغ جمهوری اسلامی و رهبر رژیم در اوج وقاحت سال۹۹را سال جهش تولید نامگذاری می‌کند. چنین اظهار نظر عوام‌فریبانه با خصوصیت فوق‌خوشبینانه رژیم با توجه شرایط وخیم و انحطاط اقتصادی به جز فریب افکار عمومی و فرار کردن واقعیتهای موجود و پردپوش کردن واقعیتهای جامعه که برگرفته از چهارچوب فکری و عقلیت دروغ گویلیز می‌باشند، در چه بستری دیگر قابل تجزیه و تحلیل می‌باشند؟ دروغی که با فرض محال زنده بودن جوزف گویلز و شنیدن آن می‌بایست در اظهارات و بکارگیری دروغ در ورژنهای جدید آن تجدید نظر می‌کرد، وقاحتی که اگر آنرا هزاران بار در صیغه مبالغه صرف بکنید باز هم برای تعریف رژیم و در برابر امپراطور دروغ جمهوری اسلامی عاجز و ناتوان می‌ماند.

معترضان زمینه کودتا را فراهم کند و گروههای تروریستی و ناشناس را عامل قتل و عام مردم معرفی کند و با دادگاهی کردن بخشی از مسئولان رژیم و مصادر اموال آنان و با معرفی رهبر جدید (منسوب خامنه ای) اوضاع را کنترل کند و خامنه‌ای به آرزویش که کره شمالی شدن ایران است برسد و با گروگان گرفتن مردم فقیر و گرسنه به شیوه ای دیگر و با لباس و پوست دیگری به حکومتشان ادامه بدهند.

۲) سرنگونی رژیم توسط جبهه متحد اپوزسیون:

ته‌مه‌ن ناگر

او به ما یادآوری می کند که "رنج کشیدن تصادفی است و این مهربانانه‌ترین چیزی است که کسی می‌تواند درباره رنج بگوید."

نوشته شده توسط نویسنده و فیلسوف Alain Botton

در ژانویه ۱۹۴۱ آلبر کامو شروع به نوشتن داستانی در مورد ویروسی کرد که به طور غیرقابل کنترلی از حیوانات به انسان می‌رسد،سریع پخش می‌شود و در نهایت نیمی از جمعیت یک شهر را که اوران نام دارد و در سواحل الجزایر است را نابود می‌کند. رمان طاعون در سال ۱۹۴۷منتشر شد و اغلب به عنوان بزرگترین رمان اروپایی پس از جنگ توصیف می‌شود. با بازشدن کتاب،جوی ترسناک و وهم آور به طور عادی حکمفرماست. ساکنان شهر، زندگی شلوغ و متغییری را با محویت پول پرستی در پیش می‌گیرند،و به طرز وهم‌آوری وحشت آغاز می شود.
راوی داستان:دکتر ریو با یک موش مرده روبه‌رو می‌شود ،سپس با دیگری و دیگری. به زودی یک بیماری واگیر اوران را به تصرف خود درمی‌آورد، و خود را از شهروندی به شهروند دیگر منتقل می‌کند و باعث وحشت در خیابانها می‌شود. برای نوشتن این کتاب کامو خود را در تاریخ طاعون غوطه‌ور کرد .او در مورد مرگ سیاه که تقریبا منجر به مرگ ۵۰میلیون نفر در اروپا در قرن چهارده شد را خواند،همچنین طاعون ایتالیایی که در سال ۱۶۳۰ منجر به مرگ ۲۸۰۰۰۰ نفر در دشتهای لومبارد و طاعون بزرگ لندن در سال ۱۶۶۵ و همچنین طاعونهایی که شهرهای ساحلی چین را در قرنهای ۱۸ و ۱۹ ویران کرد را خواند. مردم اوران نمی‌توانند این را قبول کنند.حتی وقتی یک چهارم از مردم شهر می‌میرند آنها فکر می‌کنند که این حادثه برای آنها اتفاق نمی‌افتد. آنها مردمان مدرنی هستند با تلفن،هواپیما و روزنامه‌ها. آنها

نبود اتحاد میان مردمان ایران و نبود رهبری واحد باعث شده که رژیم بارها اعتراضات را سرکوب کند، اگر اپوزسیون با رعایت حقوق همه ملیت ها و اقوام و مذاهب و احزاب متحد بشوند و بطور هماهنگ برای سرنگونی رژیم اقدام کنند می توانند به کشورهای دیگر حتی روسیه و چین پیغام بفرستند و به عنوان ال‌ترناتیوی مثبت و به عنوان دولتی در تبعید ضمن جلب حمایت جامعه جهانی با ایجاد هماهنگی و اتحاد میان همه مردم و هدایت اعتراضات و کمک خارجی رژیم

مطمئنا نمی‌خواهند مانند فاجعه قرن۱۷ لندن یا ۱۸ کانتون بمیرند موضوعی که کامو در موردش می‌نوشت در مورد معضل خاصی نبود، همچنین کنایه از قصه تاریخی خاصی مانند اشغال فرانسه توسط نازیها، که گاهی به آن اشاره‌ای نیز شده است، نبود. او جذب این موضوع شد زیرا به اعتقاد وی رویدادهای تاریخی بالفعلی که ما از آنها به عنوان معضل یاد می‌کنیم صرفا هم راستایی عوامل در ایجاد شرط قبلی معضلی جهانی است، که درواقع پیامد شواهد تاسف باری از قوانین خدشه ناپذیر جهان هستند. یکی از شخصیتها می‌گوید"غیرممکن است طاعون باشد ،همه می‌دانند که در غرب تمام شده است" کامو می‌گوید:
بله همه می‌دانند، بجز مردگان. به اعتقاد کامو، وقتی حرف از مرگ به میان می‌آید، هیچ پیشرفتی در تاریخ مشاهده نمی‌شود، هیچ گریزی از این ضعف انسانی وجود ندارد. زنده بودن هیچگاه قابل پیش بینی نبوده و نخواهد شد؛ به درستی این امری اصولی غیر قابل اجتناب است. به واسطه طاعون یا بی واسطه آن مرگ همیشه هست، همچنان که همیشه بوده است. واژه طاعون، اگر معنای وحشت از مرگ ناگهانی را متبادر کند، می‌توان استنباط کرد که زندگی‌های ما به همان نسبت آتی بودن آن بی معنی است. این منظور کامو بود وقتی در مورد پوچی از زندگی حرف میزد. شناختن این پوچی نباید ما را به ناامیدی بکشد، بلکه به رستگاری تراژدیک، نرم شدن قلب، قضاوت نکردن و اخلاقی شدن به شادی و سپاسگزاری منجر شود. طاعون سعی در ترساندن ما ندارد، زیرا ترس حاکی از وحشت پاسخ به شرایط خطرناک اما کوتاه مدت است، که در نهایت می‌توانیم ایمنی پیدا کنیم. اما هرگز نمی‌توان ایمنی پیدا کرد، و به همین دلیل است در نظر کامو، ما باید عاشق انسانهای لعنتی خود باشیم و بدون امید یا ناامیدی برای بهبود درد و رنج کار کنیم. زندگی یک آسایشگاه است نه

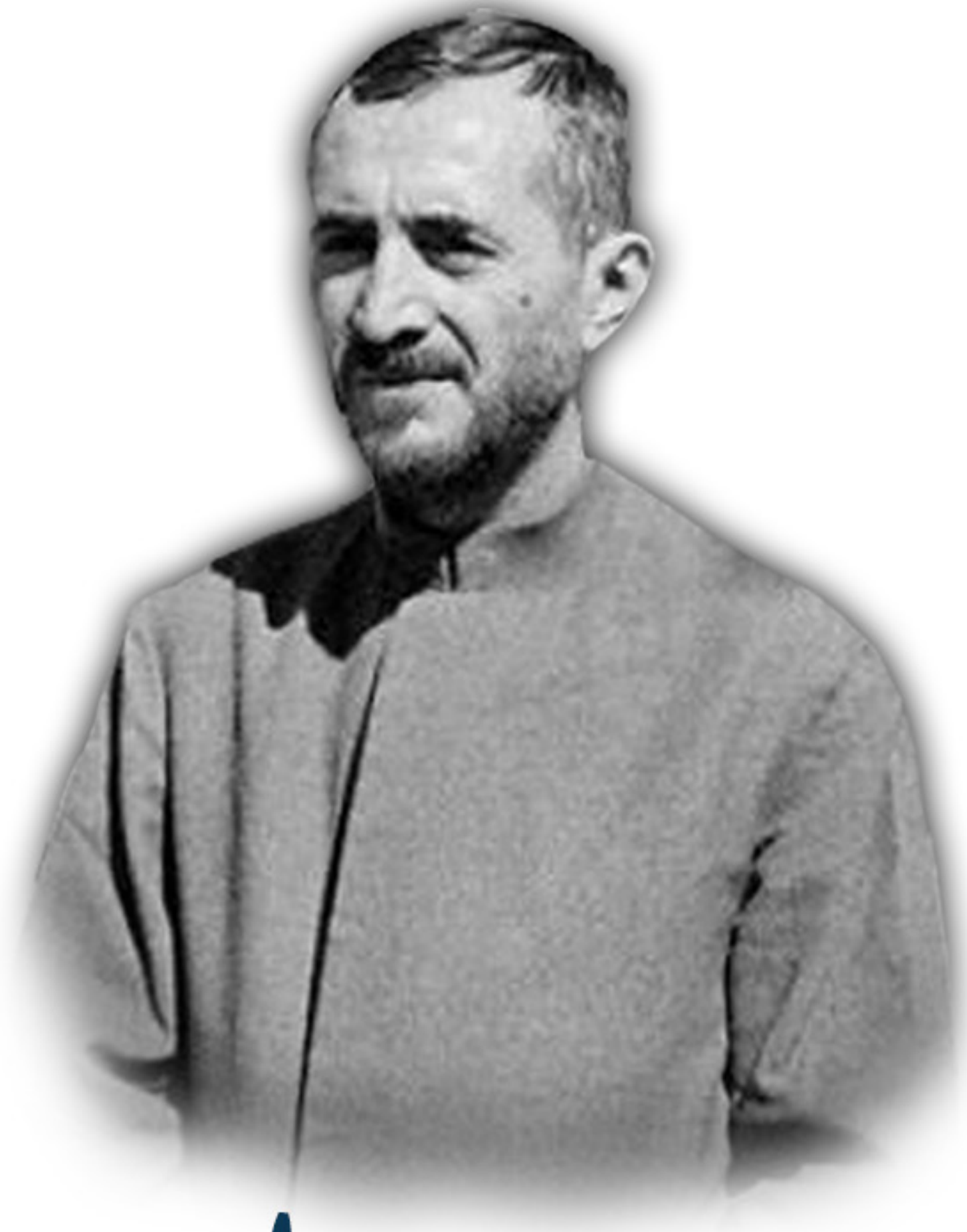
را سرنگون کنند، مطمئنا اگر اپوزسیون متحد بشوند و با برنامه قدم بردارند شاهد ریزش‌های گسترده ای از رژیم و پیوستنشان به مردم خواهیم بود و سرنگونی رژیم قطعی و کم هزینه خواهد بود. در چهل سال گذشته هیچ گروه و حزبی به تنهایی نتوانست رژیم را سرنگون کند، انکار تفاوت ها و تنوع های ملی و قومی و مذهبی ایران بی فایده و بی ثمر است، راهی جز اتحاد وجود ندارد، زمان به سرعت می گذرد و اگر اپوزسیون متحدانه و با برنامه کاری نکند امکان

نظر آلبر کامو روی

کروناویروس

بیمارستان. در اوج بیماری،وقتی در هر هفته ۵۰۰ نفر می‌میرند، یک کشیش کاتولیک به نام پانلوکس خطبه‌ای می‌دهد که طاعون را به عنوان مجازات خداوند برای افزایش فساد توضیح می‌دهد. اما دکتر ریو، کودکی را دیده که مرده است و بهتر می‌داند: رنج به صورت تصادفی توزیع می‌شود، با عقل جور در نمی‌آید ،این خیلی ساده و پوچ است، و مهربانترین چیز است که می‌توان درباره ی آن گفت. پزشک خستگی ناپذیر کار می‌کند تا رنج اطرافیانش را کاهش دهد.اما او قهرمان نیست. دکتر ریو می‌گوید "همه‌ی این چیزها در مورد قهرمانی نیست" ممکن است یک ایده مسخره به نظر برسد،اما نجابت تنها راه مبارزه با طاعون است. شخصیت دیگر می‌پرسد: نجابت چیست؟ دکتر جواب داد. کار من را انجام می‌دهد. کامو می‌نویسد: سرانجام پس از گذشت یک سال، طاعون ازبین می‌رود. مردم شهر جشن می‌گیرند. رنج کشیدن تمام شده است.عادی بودن می‌تواند برگردد. اما دکتر ریو می‌دانست که این تاریخچه‌ها نمی‌توانند داستان پیروزی قطعی باشد. این تنها می‌تواند سابقه کارهایی را که باید انجام شود و آنچه مجددا باید بدون شک علیه این ترور انجام شود را ثبت کند. او ادامه می‌دهد، طاعون هرگز نمی‌میرد. آن(طاعون) صبورانه در اتاق خوابها منتظر است، در انبارها، بر روی تنه‌ها و اندامها،دستمالها و کاغذهای قدیمی،برای روزی که باردیگر موش‌های خود را بیدار کند و به برخی شهرها با مردمان رضایت خاطر بفرستد.کامو در زمان خودش با ما حرف می‌زند، نه به این خاطر او جادوگری بود که می‌توانست آنچه را که بهترین اپیدومولوژیست نمی‌تواند به ما بگوید، گفته است،بلکه به این دلیل او ماهیت انسان را به خوبی می‌دانست.همانطور که ما نمی‌دانیم او می‌دانست که: هر کس آن طاعون را در درون خودش دارد، زیرا هیچ کس در جهان،هیچ کس،مصون نیست. نیویورک تایمز

دارد رژیم همچون نازی ها همه چیز را فدای آرمان هایش کند یا با کودتایی و کره شمالی کردن ایران چندین سال دیگر به کارش ادامه بدهد، به زودی تغییرات بزرگی در ایران روی خواهد داد اما اگر متحدانه و با برنامه قدم برنداریم اوضاع مردم بدتر می شود و بار دیگر از چاله به چاه خواهند افتاد و این بار چاهی بسیار عمیق تر و بدتر.



پیشوا
قاضی محمد

نخستین رئیس جمهور کوردستان

ما همه در گلزار روح "قاضی" ایستاده‌ایم

